

تفسیر قرآن کریم

سوره توبه آیه ۱۷ و ۱۸

عمل پاک از نیت پاک سر چشمه میگیرد

۱۷- ما کان للمشرکین ان یعمروا مساجد الله
شاهدین علی انفسهم بالکفر اولئک حبطت
اعمالهم و فی النار هم خالدون .

مشرکان حق ندارند مسجدهای خدا را تعمیر و
آباد کنند در صورتیکه به بت پرستی تظاهر مینمایند
زیرا اعمال آنان تباه و همیشه در آتشند .

۱۸- انما یعمروا مساجد الله من آمن بالله و الیوم
الاخر و اقام الصلوة و آتی الزکوة و لم یغش
الا الله فعی اولئک ان ینو امن المصتهدین .
تنها کسی میتواند مساجد خدا را آباد کند که بخدا
و روز پادشاه ایمان داشته باشد ، و نماز بکرازد و
زکوة بدهد و جز خدا از کسی نترسد ، در اینصورت
شاید از هدایت شدگان باشند .

دانشمندان اعمال و افعال هر کس را عکس العمل روحیات او میدانند و کردار او را
مظهر و نمونه‌ی بارزی از طرز فکر او می‌شمرند ، زیرا انسان بوسیله اندیشه و فکر، کارهای
اختیاری خود را انجام میدهد و یگانه مبدء برای وجود آمدن یک عمل همان تصورات و تصدیق-
هایی است که در مقدمه عمل قرار میگیرند و یک سلسله روحیات و عادات و ملکات این تصورات
و تصدیقات را بوجود میآورند - از این لحاظ - طرز عمل یک فرد مادی پاک مرد با ایمان کاملاً
بهم فرق دارد . نحوه عمل شخصیکه افکار او با عواطف و احساسات آمیخته باشد ، با کسیکه
در احساس روح او نمونه‌ی از این اوصاف پیدانمیشود ، کاملاً متباین خواهد بود .

اسلام همانطوریکه با اصلاح ظاهر ، پهنی کردار و گفتار اهمیت داده است و جامعاً

انسانی را بانجام دادن کارهای سودمند ، دعوت نموده ، همچنین باصلاح باطن که مبدأ اصلی برای انجام گرفتن تمام کارها است ؛ دعوت مینماید ، حتی کارهای نیک را در صورتی میپذیرد که عقیده و اندیشه صحیح آنرا بوجود آورد ، نه رایا و جلب توجه مردم .

اسلام ، مقام و ارزش اعتقاد و نیت پاکه را بقدری بالا برده است ، که تصمیم جدی یک نفر را اگر چه موفق به عملی نشود ؛ بجای عمل انجام شده پذیرفته است . شاهد گفتار ماجمه‌هایی است که امیر مؤمنان (ع) در جنگ جمل فرمود . هنگامی که فتح و پیروزی نصیب علی گردید و صفوف دشمن را درهم شکست یک نفر از دوستان علی (ع) حضور آنحضرت عرض کرد ؛ ایکاش برادرم که در کوفه است در این نبرد شرکت می کرد ، و از فیض بزرگ (جهاد در راه خدا) محروم نمیگشت ، امیر مؤمنان (ع) از او پرسید ؛ آیا قلب و نیت برادرتو با ما است ؟ عرض کرد بلی یا امیر المؤمنین ! حضرت فرمود ؛

فقد شهدنا - ولقد شهدنا فی عسکرنا هذا اقوام فی اصلاب الرجال و ارحام النساء ؛ چون برادرتو از صمیم دل طرفدار حق و حقیقت بود ؛ مانند اینست که در این نبرد شرکت و جهاد نموده است حتی کسانی که تملا در پشت پدران ، و رحمهای مادران هستند ولی پس از تولد ؛ از برنامه حق و حقیقت ما پیروی خواهند کرد ، در نتایج بزرگ و پادشاهی این نبرد با ما شریک خواهند بود .

امروز در کشورهای متمدنی جانان و خائنان را از طریق تغییر روحیات و افکار و ملکات تربیت مینمایند زیرا می دانند که اصلاح روح اساس تمام قدمهای مؤثر فردی و اجتماعی است . قوانین آسمانی که شالوده دعوت خود را بر اساس اصلاح باطن و تهذیب ملکات قرار داده ؛ اعمالی را پذیرفته است که از روی ایمان و اعتقاد سرزند ، نه از روی اغراض شخصی میتوان گفت با این طرز فکر ؛ اسلام از طرز تفکر بسیاری از دانشمندان فاسله گرفته است ؛ مثلاً امروز قضاوت عمومی در باره کسیکه بمنظور ریا و جلب محبوبیت ؛ بیمارستان و دبیرستانی بسازد ، اینست که این عمل صد درصد قابل ستایش و تقدیر است ، ولی قضاوت اسلام اینست که بایست عمل را با عمل درونی تطبیق کرد ؛ هر گاه محرک آن ؛ همان ایمان و وجدان و نوع دوستی و همکاری با مردم بوده است ، عملی است بسیار صحیح و صاحب آن در پیشگاه آفریدگار ماجور خواهد بود ، ولی هر گاه خدای نکرده ، سرچشمه آن یک سلسله علل باشد ؛ افکار موهوم و بمنظور رسیدن بیک سلسله اغراض مادی ، بوده باشد ، این عمل در نظر اسلام ، مانند جسدیست بی روح و در خور ستایش نیست .

واضحتر بگوئیم ؛ اسلام تنها حسن و زیبایی عمل را کافی در ستایش عامل آن نپندارد و

تأیید پاکه و بی‌آلایش‌بان عمل ضمیمه نشود ، ارزش‌پیدا نخواهد نمود .

هدف آیه‌های مورد بحث

آیه‌های مورد بحث بهترین گواه‌گفتار پیش‌است : مشرکان آنروز با پرستیدن بتها و انکار روز جزا ، تظاهرات بی‌دینی خود را با آخرین مرحله رسانده بودند ولی - مع الوصف - گاه بیگانه ، تصمیم می‌گرفتند که «مسجد الحرام» را تعمیر و آثار خرابی آنرا از بین ببرند ، ولی ناگفته‌پیدا است ؛ محرکه انسان برای يك عمل ، همان سودیست که در آن نهفته است ، و آباد کردن مسجد برای کسانی که اساساً منکر معاد و حشر و نشرند ؛ هیچ سودی نخواهد داشت ، و اقدام یک چنین اشخاص با این عقائد ، بطور مسلم مرموز شمرده میشود ، و چه بسا برای يك سلسله آمال شوم مجبور میشوند که کرداری ضد عقیده خود انجام دهند. قرآن برای جلوگیری از هر گونه سوءاستفاده مشرکان حق تعمیر مساجد را از مشرکان سلب کرده و فرموده : **ما كان للمشرکین ان یعمروا مساجد اللہ شاهدین علی انفسهم بالکفر** ؛ مشرکان حق ندارند مساجد خدا را تعمیر کنند در حالی که کفر آنها (و عدم ایمان پرور قیامت که جزای کردار در آن روز است) روشن و واضح است (۱)

(۱) مؤلفه الهتاره اصرار دارد که برساند مقصود از تعمیر در آیه ، تعمیر و آبادی معنوی مساجد است ، بوسیله عبادت و طواف ، و میگوید در لغت فعل «عمر» بمعنای عبادت کردن نیز بکار برده شده و از آنجا که هدف از سوره براءت ، همان بازداشتن مشرکان از مسجد الحرام بود لذا پس از نزول این آیات مشرکان از طواف کعبه متوجع شدند ، از این لحاظ بسیار مناسب است که بگویم منظور آباد کردن ظاهری نیست ؛ بلکه مقصود همان عبادت و طواف که در حقیقت تعمیر واقعی مساجد است میباشد .

ولی ما تصور می‌کنیم که منظور همان تعمیر ظاهر است ؛ و اسلام خواسته است دست آنان را از این عمل پرافتخار کوتاه سازد ، و گواه ما آیه نوزدهم است که میفرماید : **اجلتم سقایة الحجاج و عمارة المسجد الحرام . . .** زیرا بطور مسلم روی مناسبات زیاد ، معنای «عمارة» همان آباد کردن در دو بوار «مسجد الحرام» است و بس ، و ارتباط و تناسب آیات اقتضاء میکند که هدف این آیات همان مرمت کردن مساجد باشد ، اینکه می‌گوید : آبادی واقعی مساجد ؛ بوسیله عبادتی است که در آنجا انجام می‌گیرد ، سخنی است بسیار صحیح ، ولی مدعا را اثبات نمی‌کند بملأه خود قرآن در این باره (یعنی نهی مشرکین از عبادت کردن در مساجد) در آیه دیگر از همین سوره گفتگو نموده است ، آنجا که میفرماید : **انما المشرکون نجس فلا یقر بوا المسجد الحرام بعد عامهم هذا** (توبه آیه ۲۸ - مشرکان آلوده اند - پس

شرائط تعمير کنندگان

شرط اول و دوم ايمان بخدا و بروز قيامت كه اساس مشتركه تمام آئينهاى آسمانى است و تمام مريان الهى براى تحكيم اين دو موضوع مبعوث گرديده‌اند و مشركان اگر چه اجمالاً بخدا معتقد بودند ، ولى حيات اخروى را كاملاً انكار ميكردند ، روى اين بيان فقط پيروان اديان آسمانى حق دارند مساجد را آباد كنند .

سوم و چهارم پياداشتن دوركن بزرگه عملى اسلام يعنى نماز گزاردن كه مظهر كامل براى خضوع در پيشگاه خدا بشمار ميرود ، و زكوة دادن كه ركن بزرگه مالى و اقتصادى اسلام است و حقيقت ايمان اگر چه همان دو شرط اولى است ولى ايمان نافع و سودمند در پرتو عمل به احكام اسلامى است ، از اين نظر ، دوركن مهم را تذکر داده است .

پنجم : تنها از خدا ترسیدن : **و لم يخش الا الله** . البته منظور خوف طبيعى و غريزى نيست زيرا دائره ترس غريزى وسيع تر است ، و ترس از حوادث ، هيب و حيوانات درنده منافات با ايمان ندارد ، بلكه مقصود خوف دينى و اعتقادى است ، و فقط دائره آن منحصر بخدا است ، از آنجا كه رساله تمام موجودات او است ، و تمام ممكنات در قبضه قدرت و تحت اراده او مى گردند ، از اين لحاظ بايست در مقام خوف دينى فقط از مؤثر واقعى ترسيد . خداوند در قرآن مجيد يكي از اوصاف انبياء را همين شمرده است : **الذين يملكون رسالات الله ويخشونه ولا يخشون احدا الا الله** : كسانيكه (انبياء) پيامهاى خدا را پي رسانند و بجز او از كسى نمي ترسند .

برخى گفته اند كه ، منظور از « خشية » در آيه همان عبادت است ، زيرا عامل عبادت در

پنج از گذشتن امسال به مسجد الحرام نزديك نشوند) بنا بر اين هر گاه هدف اين دو آيه نيز همان نهي از عبادت كردن مشركان در مساجد باشد در اين صورت ناچاريم بگوئيم كه يك مضمون با فاصله مختصرى در قرآن بدون جهت تكرر شده است مگر اينكه گفته شود آيه هاى مورد بحث اعم از تعمير ظاهرى و معنويست ، و آيه ۲۸ فقط نهي از نزديك شدن به مسجد الحرام به منظور عبادت و طواف ميكند و در اين صورت مضمون تكرر نشده است .

علاوه بر اين تعمير واقعى مساجد ، پرستيدن خدا و تعظيم و ستايش خداوند يگانه است و مشركان هيچگاه خداوند يگانه را نمى پرستيدند ، و معبود آنان اسنام و پتها بود و ميكفتند ما با پرستش اينها بخداى جهان نزديك مى شويم بنا بر اين هيچگاه تعمير معنوى از يك فرديت پرست و مشركه امكان ندارد تا خدا پسر مايد مشركان حق ندارند با پرستش خود مساجد را آباد كنند .

میان مردم معمولی. همان خوف از خشم خداست و باطمینان در رحمت و نعمت او است. حتی می-توان گفت محرکه مشرک برای بت پرستی همان ترس و خوف زخشم بتان است. و چون در حقیقت عبادت و تعظیم غالباً مظهر کامل برای خوف است، از این لحاظ میتوان گفت: اینکه خدا میفرماید: از غیر خدا نمیترسد، یعنی غیر خدا را عبادت (که مظهر کامل برای خوف باطنی است) نمیکند.

قرآن پس از اینهمه شرائط باز سعادتمند شدن چنین اشخاص را بطور رجاء و احتمال بیان میکند **فَعَسَىٰ أَوْلَىٰ لَكَ أَن يَكُونَ نَاصِرًا مِنَ الْمُهْتَدِينَ**: شاید آنان از هدایت شوندگان باشند، یعنی وضع ظاهری آنان متضمن سعادت قطعی آنان نیست؛ زیرا چه بسا ممکن است در پایان بوسیله اعمال ناشایست یا بازگشت از دین، اعمال گذشته خود را باطل و بی نتیجه و عقیم سازند.

آیا اهل کتاب حق دارند مساجد را آباد کنند؟

دو آیه فوق درباره مشرکان است، و سخنی از اهل کتاب در کار نیست، و باز میتوان گفت آنان نیز ممنوعند که دست باین کار بزنند زیرا بر فرض اینکه ایمان آنان را بخدا و روز جزا صحیح بدانیم ولی بطور مسلم، دورکن اساسی اسلام را پیمان میدارند، گذشته از این، قرآن ارزشی برای ایمان آنان قائل نشده است چنانکه میفرماید: **قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ** - (توبه - ۲۹): با کسانی که ایمان بخدا و روز جزا ندارند، و حرام خدا و رسول او را حرام نمیشمارند، و از دین حق پیروی نمیکنند، از اهل کتاب: نبرد کنید، این آیه و وظائف آن، ایمان اهل کتاب را ناچیز شمرده و ارزشی برای آن قائل نشده است چون ایمان آنها غالباً آلوده بشرک و انحراف است.

دو اصل تشریح

از آیه مورد بحث دو اصل تشریحی بدست میآید: اول: کار لغو و بی اثر در اسلام مشروع نیست و تا عمل یک نحوه سودی دنیوی و اخروی بحال فاعل نداشته باشد. مشروعیت ندارد دوم: مشروع بودن یک عمل در حقیقت مسبوق بحقی (حق ایجاد کردن) است که خداوند جهان آنرا ببندگان خود عطا میفرماید، سپس بر طبق این حق، اجازه انجام آن داده میشود چنانکه خدا اول بر حق تعمیر کردن را از مشرکان سلب کرده، و پس از سلب این حق، این عمل را مشروع ندانید، ولی همین حق را برای مؤمنان ثابت دانسته، و پیروان، عمل آنها را مشروع و مجاز شمرده است.